

میترا لبافی که او را در صفحه تلویزیون

# در هر وضعیتی ادیب



که از نگاه سلبریتی پرور رسانه و مدیریت رسانه ناشی می‌شود از بین نرود.

البته موقعیت من در خبر باثبات بود، چون کتاب هم خیلی طرفدار نداشت. ولی نوع رقابت‌ها به خاطر هیجان و فراگیری تلویزیون متفاوت است.

**۱۱ در رسانه‌های مکتوب رقابت‌ها تا این حد نیست...**

بله؛ در روزنامه و سایت، این حجم از رقابت وجود ندارد یا کسانی که شایسته‌تر و با سوادتر هستند در رقابت پیروز می‌شوند. در تلویزیون چون سرگرمی غلبه دارد و در خبر هم سلیقه‌های مدیریتی متفاوتی در دوره‌های مختلف حاکم بوده، با جاذبه لحن و صدا و تصویر می‌توان ضعف اطلاعات را پوشاند اما در روزنامه متن است که حکومت می‌کند. البته که تلویزیون هم باید این‌گونه باشد اما متأسفانه همیشه نبوده و نیست.

خبرنگاری تلویزیون به این صورت است که یکی میکروفون دستش می‌گیرد و وسط خیابان می‌پرد؛ یکی هم مثل ما ممکن است نوع کارش به صورتی باشد که نگاه ژورنالیستی عمیق‌تری بطلبد و به اطلاعات و مستندات هم متکی باشد.

**۱۲ به‌رحال این تفاوت‌ها در رسانه‌های مکتوب و رسانه‌های تصویری، همه‌جا هست.**

درواقع در خبرنگاری تلویزیون آن هم خبرنگاری در کشور ما که گزارش‌های شهری‌اش گاهی با دم‌دستی‌ترین محتواها نیاز تلویزیون را برطرف می‌کند شما به وادی یک تعریف چندبعدی از خبرنگاری می‌افتید. درحالی که در روزنامه گزارش شهری هم باید حساب و کتاب خودش را داشته باشد.

شاید مدیری و سواس بالایی داشته باشد و نسلی طلایی پرورش دهد اما این نسل می‌رود و باید جایگزین شوند. خبرنگاری تلویزیون شغل سنگین و پیچیده‌ای است. شما باید در روزنامه با یک عکاس نهایت همراه می‌شوید ولی آن جا بایک تیم خبری و مجموعه‌ای از عوامل از تصویربردار و صدابردار و راننده و تدوینگر و سردبیر پخش همراه هستید تا به آنتن برسید. برای همین رشد در این فضا با چالش‌های زیادی مواجه است.

**۱۳ متأسفانه خبرنگارانی داریم که به‌نظر می‌رسد نسبتی با ادبیات ندارند! این افراد درحالی برای تهیه گزارش می‌روند که اتمسفر زیست نویسنده را نمی‌دانند؛ با این شرایط در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد؟**

عالم روزنامه‌نگاری با هیچ‌جا قابل مقایسه نیست.

**۱۴ تلویزیون چه فرصت‌هایی برای شما ایجاد کرد؟**

یکی از آنها آشنایی با آدم‌های بزرگ و نشست و برخاست با صنف نشر و آموختن و ایده‌گرفتن بود. البته من هیچ‌وقت نتوانستم و علاقه‌ای نداشتم به صورت مستقیم از آشنایی‌هایم با ناشران برای چاپ کتاب‌هایم استفاده کنم.

چون ملاحظه‌های زیادی داشتم و نمی‌توانستم به سادگی به ناشران برای چاپ کتاب‌هایم مراجعه کنم و نمی‌خواستم این حس به وجود بیاید که از رانت خاصی استفاده می‌کنم. برای همین تمام کتاب‌هایم را با هزینه خودم منتشر کردم و بین کار حرفه‌ای‌ام در تلویزیون و خیل ناشرانی که می‌شناختم خط‌کش بزرگی گذاشتم. الان هم بسیاری از آنها نمی‌دانند که من کتاب نوشته‌ام یا در این حوزه فعال بوده‌ام. ولی هم‌نفس شدن با آنها و گام‌به‌گام با ایشان جلو رفتن، دانشگاه بزرگی شد که از موهبت‌های شغل خبرنگاری در تلویزیون آن‌هم به صورت مستمر و در طول بیش از دو دهه بود.

درواقع بیشتر سعی کردم از دانش آنها استفاده کنم و این از هر چیزی عمیق‌تر و پایدارتر بود. چون هم به تخصصی شدن خبرنگاری‌ام کمک کرد هم به عالم نویسنده‌ام که دنبالش بودم.

**۱۵ در تلویزیون با مشکلی هم روبه‌رو بودید؟**

البته فضای کاری خودم در تلویزیون را همواره مثبت و طلایی نمی‌بینم. هرچند از آن خرسند بودم. مهم‌ترین مشکلم هم این بود که درمیان خبرنگاران، کمتر با خبرنگار صاحب سبک روبه‌رو می‌شدم شاید هم مدینه فاضله می‌خواستم که از ویژگی‌های ما کتابی‌هاست که زیادی آرمان‌گرا می‌شویم.

به‌رحال دوست داشتم در محیطی کار کنم که تمرکز فکری‌ام به خاطر آنتن که خبرنگاران تلویزیون خیلی برایش دغدغه دارند یا تبعیض‌های مدیریتی

میثم رشیدی مهرآبادی



سردبیر

قفسه کتاب

مقدمه: «میترا لبافی؛ خبرنگاری صداوسیما...» را بارها در انتهای گزارش‌هایی شنیده‌ایم که خانمی با ورسوی‌های خوش‌رنگ با موضوعات کتابی و ادبیاتی تهیه کرده. خانمی با وقار و جدی که سعی می‌کند گزارش‌هایش را طوری تدوین کند که کتاب مورد نظر به چشم ما مخاطبان بیاید و آن را تهیه کنیم و بخوانیم. او که چند سالی است گروهی با نام کتاب را در مهم‌ترین خبرنگاری کشور هدایت می‌کند، عصر یک روز دل‌انگیز به ساختمان روزنامه جام‌جم آمد تا با او درباره همه فعالیت‌های ادبیاتی‌اش خصوصاً نویسندگی و ترجمه صحبت کنیم. از هر دری سخنی به میان آمد و حاصلش شد متنی که اکنون پیش‌روی شماست. این گفت‌وگو را که بخوانید، دیدن گزارش‌های میترا لبافی برایتان دلپذیرتر می‌شود...

**۱۶ شما بیشتر با خبرنگاری در حوزه کتاب شناخته می‌شوید.**

من هم نمی‌دانستم که شما می‌نویسید و ترجمه می‌کنید. همین موضوع به بهانه نشست امروز تبدیل شد. آیا نویسندگی را پیش از فعالیت رسانه‌ای آغاز کرده‌اید یا بعد؟

نوشتن اساس کار خبرنگاری است و من هم به نوعی نویسندگی را قبل از خبرنگاری و در دهه هفتاد تجربه کردم. داستان می‌نوشتم و گه‌گاه به نشریات ارسال می‌کردم.

آن زمان مطبوعات فعالی داشتیم و حوزه نشر به سادگی، کارهای نویسندگان جوان را قبول نمی‌کرد. البته هنوز هم همین است اما الان دست‌کم جوانان فضای مجازی را دارند. خب ما نداشتیم و من هم مثل بسیاری از علاقه‌مندان نویسندگی به روزنامه‌نگاری روآوردم تا شاید مقدمه‌ای برای فعالیت‌های بعدی‌ام باشد. این موضوع برای شما هم که خبرنگار و نویسنده هستید قابل درک است، چون همه ما خبرنگاران به‌ویژه خبرنگاران فرهنگی چنین دغدغه‌ای داریم.

**۱۷ درباره سابقه روزنامه‌نگاری‌تان هم برایمان بگویید.**

من از سال ۷۲ تا ۷۹ در مطبوعات فعالیت می‌کردم و بعد به تلویزیون آمدم. شروع کارم از صفحه ادب و هنر روزنامه کیهان بود. بعد به مجله زن روز رفتم.

من حق التالیفی بودم و مثل بسیاری از روزنامه‌نگاران نسل خودم هم‌زمان با هم‌شهری، آفرینش و حتی روزنامه‌های سینمایی کار می‌کردم و هنوز هم نقد فیلم می‌نوشتم. کار من در آن زمان عموماً در حوزه فرهنگ بود و در زمینه کتاب و سینما فعالیت می‌کردم، چون برای هر دو صاحب فکر و ایده بودن و نقش مولف را ایفا کردن مهم است. الان هم نقد فیلم می‌نویسم و فکر می‌کنم وجوه مشترک زیادی با دنیای کتاب دارد.

**۱۸ گمان کنم شما در مجله «کتاب هفته» هم بودید...**

اولین خبرنگاران حوزه کتاب در مجله کتاب هفته و در دهه هفتاد پیداشدند و حوزه تخصصی من در این زمان به نوعی پا گرفت و من هم کارم را با این نشریه شروع کردم.

گاهی که به گذشته فکر می‌کنم می‌بینم ما در آن زمان نمی‌دانستیم چقدر خوشبختیم، چون با وجود این‌که نه پولی می‌گرفتیم و نه امنیت شغلی داشتیم، ولی همه‌جا می‌نوشتیم و حدوداً ۵۰ نفری بودیم که کل مطبوعات را می‌گردانیدیم. فضای مطبوعات در واقع برایم بسیار پر بار بود و با این‌که در صداوسیما هم به تجارب من اضافه شد اما

